

خمینی: "بکشید، بزنید، حبس کنید"

ایران ، از کشتار بدون محاکمه، از اینها صحبت می‌کنند". سپس وی خطاب به "میهمانان خارجی" گفت: "خوب شما در خارج ، تحقیق کنید الان این مطلب را، شما آمدید، درها باز است برای تحقیق، بروید به بینید، شما کوچک و بازار را دارید می‌بینید، در کوچک‌ها و بازارها دارند مردم را با چه تهدید می‌کنند و اذیت می‌کنند؟" (اطلاعات ، ۱۵ بهمن ۶۳).

این سخنان سلطان جماران بی‌اختیار گفته‌های سلطان کاخ نیاوران را در خاطره‌ها زنده می‌کند. شاه معدوم هم از رسانه‌های گروهی جهان گله می‌کرد که رژیم او را خودکامه و مستبد و خونخوار می‌نامند. او هم ، عده‌ای مزدور را دعوت می‌کرد تا از زندانهای ایران، از کوچک و بازار بقیه در صفحه ۴

خمینی در جمع رئیس جمهور، اعضاء مجلس خبرگان، ائمه جمعه سراسر کشور، اعضاء و دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه و میهمانان خارجی (بطور عمده آخوندهای مزدور خارجی اکثرا مقیم ایران از نوع "حجج اسلام" ضدانقلابی افغانستان در خدمت "سیا" که به حساب مردم غارت زده ایران تغذیه می‌شوند) شرکت کننده در مراسم "دهه فجر"، سخنانی ایراد کرد، که ماهیت رژیم خودکامه قرون وسطایی "ولایت فقیه" را بیش از پیش در برابر افکار عمومی ایران و جهان فاش می‌کند.

خمینی که مردم ایران او را به حق "سلطان جماران" نامگذاری کرده‌اند از جمله گفت: "هر رادیویی را که شما باز کنید، از ایران تکذیب می‌کند. از اختناق ایران ، از جنایات ایران ، از زندانهای ایران ، از شکنجه‌های

نام مردم
ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هشتم سال اول شماره ۴۰
پنجشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۶۷
بها ۲۰۰ ریال

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هشتم مارس

نیز بخشی از نیروی عظیم جهانی زنانند که اگرچه مبارزه آنها، بخصوص در سالهای اخیر، بادشوارها و ناکامی‌های بسیاری توأم بوده و هست، همچنان در پی مبارزه برای صلح، آزادی و برابری اجتماعی و نیز در راه تحقق حقوق پایمال شده خود پیش می‌تازند.

زنان میهن ما با نیروی متحد و یکپارچه بعفوان بخش بزرگ، توانمند، پرتحرک و بالنده جمعیت کشور، بویژه در مقطع انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷، در شهرها و روستاها و در مراکز بزرگ اجتماعی و صنعتی، فرهنگی و آموزشی کشور و نیز در تظاهرات چندین میلیونی مردم، دوش بدوش مردان با رژیم مستعشاهی به نبرد پرداختند. هدف نهایی زنان از شرکت در انقلاب گسستن زنجیرهای ستم و قید و بندهایی بود که در همه بقیه در صفحه ۲

هشتم مارس (۱۷ اسفند)، روز پیوند و یگانگی زنان گیتی در پی مبارزه برای صلح، آزادیهای دموکراتیک و برابری حقوق است. در روز بین‌المللی زنان، زنان همه کشورها بپا می‌خیزند و در راه تحقق اهداف و آرمانهای بزرگ و انسانی خود، با یکدیگر تجدید پیمان کرده و با استفاده از تجربیات یکدیگر، پایه‌های همبستگی و اتحادشان را محکمتر می‌سازند.

مبارزه پیگیر و دایمی زنان در سراسر گیتی در عرصه نبرد بی‌امان و درنگ‌ناپذیر نیروهای ترقی خواه، تاکنون نتایج و ثمرات درخشانی در برداشته است. بخش مهمی از زنان جهان، بویژه در کشورهای سوسیالیستی، از حقوق کاملا برابر با مردان برخوردار شده‌اند و در همه شئون اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی دوش بدوش آنان شرکت می‌جویند. زنان زحمتکش میهن ما

اتحاد: رمز پیروزی اعتصابات کارگری

محیط‌های کار و کارگری در میهن ما ناآرام است. مدیران کل ادارات کار و امور اجتماعی سراسر کشور، در سمینارهای پیاپی خود، بیهوده برقراری "تفاهم بیشتر میان مدیران و کارگران در محیط کار و کنار گذاردن اختلاف سلیقه جهت رشد تولید" را از کارگران طلب می‌کنند. طبقه کارگر میهن ما، در برابر تعرض همه جانبه رژیم جمهوری اسلامی به دستاوردهای ۷۰ سال مبارزه مستمر زحمتکش ایران ، و بخاطر دفاع از حق زندگی خود، با سلاح نیرومند اعتصاب کام در عرصه نبرد گذاشته است.

اعتراضات و اعتصابات کارگری پر شمار یکسال اخیر، مسائل مهمی را در سطح جنبش انقلابی میهن ما مطرح ساخته و تجارب عظیمی برای جنبش کارگری بدست داده است. رویدادهای کارگری نشان می‌دهد که طبقه کارگر ایران همچنان پیگیرترین بخش جنبش انقلابی در میهن ماست و در عرصه مبارزه بخاطر دموکراسی، استقلال سیاسی و اقتصادی، عدالت اجتماعی و پایان دادن به خفقان و جنگ بی‌سرانجام با عراق در صف مقدم مبارزه توده‌هاست.

اکنون کارخانه‌های میهن ما به دژهای مقاومت علنی، خلق در برابر ارتجاع بدل شده‌اند. اگرچه رژیم جمهوری اسلامی، تمام نهادهای سرکوبگر حکومتی را علیه کارگران بسیج کرده و به میدان فرستاده است، معذرتا اعتلای روز به روز جنبش اعتصابی در کارخانه‌ها، از ناتوانی رژیم در این نبرد بزرگ طبقاتی خیر می‌دهد. با اینکه کارگران انقلابی در جریان اعتصابات با مشکلات بسیاری مواجه می‌گردند و تعدادی از آنان شغل خود را از دست می‌دهند و یا به زندان و شکنجه گاه فرستاده می‌شوند، اما روند اصلی رویدادهای کارگری در مرحله کنونی، پیروزی کارگران و عقب نشینی رژیم را نشان می‌دهد.

بقیه در صفحه ۶

دورفیق توده‌ای زیر شکنجه شهید شدند

در صفحه ۳

اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران به مناسبت هشتم مارس

این هفتاد و پنجمین بار است که زنان پیکارجو و آزادیخواه در سراسر جهان، هشتم مارس (هفتم اسفند) روز جهانی زن را جشن می‌گیرند. اما زنان میهن ما به ندرت توانسته‌اند آزادانه به برگزاری این روز توفیق یابند. امسال نیز چون سالهای گذشته، زنان میهن ما، در شرایط دشوار و طاقت فرسای تحمیل شده از سوی حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی، فرارسیدن روز همبستگی جهانی زنان را گرامی می‌دارند و آن را به روز بسیج زنان در پیکار در راه صلح، آزادی و برابری میدل می‌سازند.

کارنامه سپاه ارتجاع حاکم در ایران را که سرنوشت خلقهای میهن ما را بازچینه مطامع خود ساخته است، میتوان در جنگ و ویرانی، خفقان و استبداد و تاریک اندیشی و واپس گرایی خلاصه کرد. ادامه جنگ فرسایشی و ویرانگر بین ایران و عراق، زخمی و معلول شدن بیش از یک میلیون نفر از جوانان کشور ما، ویرانی مناطق وسیعی از کشور و وارد شدن صدها میلیارد ریال خسارت مالی، نتیجه سیاست ماجراجویانه و توسعه طلبانه رژیم استبدادی قرون وسطایی است. تسلط جوخفقان و سرکوب در ایران، منجر به زندان، شکنجه و اعدام و تبعید برای هزاران زن و مرد آزادیخواه گردیده است. شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روانی با ابعادی بی سابقه در بقیه در صفحه ۶

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

نقش مخرب جمهوری اسلامی در لبنان

پیکار قهرمانانه نیروهای ملی و مترقی لبنان با اشغالگران اسرائیلی و حامیان آمریکایی و ناتوی آنان که از نخستین روز اشغال جنوب لبنان آغاز شد، ارتش اشغالگر اسرائیل را واداشت که گامهای دیگری نیز به عقب بردارد. برای مردم لبنان البته این پیروزی قابل توجهی است ولی نباید فراموش کرد که هنوز پیکاری طولانی که پایان آن دیده نمیشود در پیش است، زیرا صهیونیست ها و امپریالیست ها همانطور که تاکنون بارها نشان داده اند، بویژه در لبنان از امکانات زیادی برای خرابکاری در امر تفاهم ملی برخوردارند.

جنايات روزهای اخیر ارتش اسرائیل در روستاهای جنوب لبنان بازم بیشتر بغرنجی وضع و لزوم حفظ وحدت ملی را نشان می دهد.

ساختار عقب مانده اجتماعی در لبنان و تقسیم بندی اهالی بر اساس نشانه مذهبی که نیروهای مترقی لبنان برای تغییر آن مبارزه می کنند به امپریالیسم و ارتجاع بین المللی و صهیونیسم و ارتجاع داخلی لبنان امکان می دهد با استفاده از عمال خود در مقامهای بالایی این گروههای مذهبی، درگیریهای داخلی و برادرکشی براه بیندازند و هدفهای پلید خود را تأمین کنند.

امپریالیسم و ارتجاع بین المللی در سازماندهی و استفاده از گروههای افراطی راست و "چپ" و مذهبی، بسته به مد روزید طولایی دارند: انقلاب پرتغال را به کمک تروریست های "چپ" در نیمه راه متوقف کردند، گروههای تروریستی وابسته به "سیا" در ایتالیا خود را "بریکادهای سرخ" می نامند، توطئه ها علیه استقلال و تمامیت ارضی هندوستان توسط سیکهای "متعصب مذهبی" که البته در پایگاههای آمریکایی در پاکستان آموزش دیده اند انجام می گیرد. در خود اسرائیل هم گروههای "متعصب" مذهبی بهترین دستیارهای امپریالیسم هستند. در لبنان دست های امپریالیسم از اینهم بازتر است. اگر تا دیروز پرفالانتهای مسیحی تکیه می کردند، امروزه "حزب الهی" های جمهوری اسلامی هم به آنها اضافه شده اند.

دولت جمهوری اسلامی، در این روزهای سرنوشت ساز که مردم لبنان بیش از هر چیز به یگانگی نیاز دارند سیاستی را در پیش گرفته که به خرابکاری و تفرقه اندازی بیشتر شبیه است تا کمک ادعایی به مردم لبنان در مبارزه ضد صهیونیستی. همانطور که انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی، مردمی و ضد استبدادی بهمن ۵۷ را پس از پیروزی، خودسرانه انقلاب "اسلامی" نام نهادند و با حذف نیروهای مترقی و ملی و جلوگیری از فعالیت آزاد این گروهها آنرا مسخ کردند، اینک در لبنان هم با وجودیکه خوب می دانند پیکار برای اخراج اشغالگران با شرکت

بقیه در صفحه ۶

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت هشتم مارس

بقیه از صفحه ۱

شئون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر زندگی سراسر رنج و محرومیت آنها سنگینی می کرد. آنها می خواستند نیروی در بند خود را آزاد ساخته و از حقوق اجتماعی برابر برخوردار شوند.

متأسفانه خیانت سردمداران ج.ا. با همکاری عوامل پنهان و آشکار امپریالیسم جهانی به آماجهای انقلاب و نیروهای مترقی، از جمله یورش سبعانه به حزب توده ایران و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران که سهم موثری در آگاهی و سازماندهی زنان داشتند، سبب شد که حکام ارتجاعی زیر پوشش تصبیات و عقاید تنگ نظرانه و ضد انسانی خود، حقوق زنان میهن ما را به شدیدترین وجهی مورد توهین و تعرضات پی در پی قرار بدهند. سردمداران ج.ا. با تکیه بر قوانین پوسیده، نگرشهای تنگ نظرانه و منسوخ و تلقی ضد انسانی خود از مسئله زن، علیرغم شعارهای مردم فریبی که می دادند و می دهند، نه تنها به خواستهای آزادی خواهانه و حق طلبانه زنان کشور ما کردن ننهادهند، بلکه بخش مهمی از حقوقی را که آنها در طول چندین دهه مبارزه به چنگ آورده بودند، پایمال ستم خود کردند.

هنوز خون زنان آزادیخواه بر آستان انقلاب بهمن ۵۷ خشک نشده بود که نیروهای فشار وابسته به حاکمیت ج.ا. به تحقیر و توهین و هتک حرمت و شخصیت و نیز سرکوب زنان برخاستند و عوامل حکومتی به بهانه های گوناگون کوشیدند تا زنان و دختران را از عرصه کار، آموزش، مبارزات اجتماعی و شکوفایی استعدادها به عقب رانده و خانه نشین سازند. بخش مهمی از زنان شاغل که در مجموع خود در صد ناچیزی از کل شاغلین کشور را تشکیل می دادند، به بهانه های گوناگون از کار بیکار شدند. و آنها که توانستند به کارهایشان ادامه بدهند در برابر کار مساوی با مردان از حقوق کمتری برخوردارند. اکثریت مطلق زنان کشور ما فاقد استقلال اقتصادی اند، دامنه بیسوادی در بین آنان رو به گسترش است و بویژه زنان روستایی بشدت استثمار میشوند. آزادیهای زنان در همه عرصه ها یکی پس از دیگری سلب شد. طبق قوانین تصویب شده، حقوق آنها در همه زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پایمال شده است.

در شرایط کنونی صدها هزار زن ایرانی فرزندان و جگر گوشگان خود را در جنگ نافرجام از دست داده اند. بسیاری از زنان نیز همه هستی خود را از دست داده و آواره اند و نیز کمبود امکانات بهداشتی، درمانی و پزشکی سبب شیوع بیماری های گوناگون در میان زنان و مرگ و میر نوزادان شده است.

در طول چند سال اخیر هزاران زن و دختر میهن پرست و انقلابی میهن ما، که زیر بار پذیرش این سیاست ضد بشری نرفته و علیه آن قیام کرده اند،

گرفتار سپاهچالهای رژیم شده و بخش مهمی از آنها به جوخه های اعدام سپرده شده اند. هم اکنون تعداد زیادی از زنان و دختران عضو حزب توده ایران و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و سایر نیروهای میهن پرست در زندانهای جمهوری اسلامی تحت شکنجه اند. چه بسیار مادران ایرانی که از اعدام و یا زندانی شدن فرزندان شان در عذابند.

حزب توده ایران که در طول دوران حیات سرتاسر مبارزه خود همواره پشتیبان واقعی حقوق زنان زحمتکش کشور بوده و از آزادی زنان دفاع کرده، بر آن است که نبرد در این راه عمیقاً با جنبش ملی و دمکراتیک و ضد امپریالیستی در میهن ما پیوند خورده است. سیاست رژیم در تجدید وابستگی اقتصادی و سیاسی کشور به سیستم جهانی سرمایه داری، توأم با نگرشهای قرون وسطایی روحانیت ارتجاعی حاکم، بویژه در ارتباط با زنان، ابعاد وحشتناکی یافته است. آنچه در کشور ما در زمینه سلب حقوق زنان و سرکوب وحشیانه آنان اعمال میشود، جز نفی کلیه دستاوردهای تمدن و فرهنگ بشری نیست. مادران و خواهران!

حکام مرتجع جمهوری اسلامی جز تباهی و ستم مضاعف و تیره روزی برای شما ببار نیاورده اند. برای مقابله با رژیم ضد خلقی راهی جز پیکار متحد و متشکل نیست. در لحظات حساس و سرنوشت ساز کنونی، شما میتوانید و باید با استفاده از انواع شیوه های مبارزه، از آنچه خودداری از اعزام فرزندان خود به کشتارگاههای بنام جبهه جنگ، کم کاری در مؤسسات صنعتی و ادارات دولتی، امتناع از کمک به جبهه های جنگ، سازمان دادن تظاهرات موضعی مادران و زنان و بالاخره براه انداختن تظاهرات گسترده مادران و کودکان در شهرها در راه کسب حقوق واقعی خویش در همه زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، قطع فوری جنگ و آزادی بلاد رنگ زندانیان سیاسی، مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح، سردمداران رژیم را مجبور به عقب نشینی کنید. مطمئن باشید که در این پیکار عادلانه همه بشریت مترقی در سراسر جهان یار و مددکار شما هستند.

حزب توده ایران در آستانه هشتم مارس، روز همبستگی جهانی زنان، به زنان زحمتکش و مبارز میهن درود می فرستد.

فرخنده باد هشتم مارس، روز همبستگی و رزم مشترک زنان در سراسر جهان!

پیروزی باد مبارزه زنان در راه آزادی و برابری حقوق زن و مرد!

تابناک باد خاطره همه زنان شهید راه آزادی! درود به زنان آزادیخواه و میهن پرست زندانی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۶ اسفندماه ۱۳۶۲

اشکهای این زنان ستم دیده تبدیل به سیلی بنیان کن خواهد شد

چندی پیش روزنامه کیهان در صفحه حوادث خود نوشت: "مردی دو زن خود را در یکروز طلاق داد".

آری، درست خوانده اید. در جمهوری اسلامی ایران، با دستگیری دادگاههای "اسلامی" مردی در یکروز دو زن خود را طلاق داد و رفت که دو زن دیگر بگیرد!

کیهان می نویسد: "صدای گریه و زاری دوزن فضای اطاق یکی از مشاورین دادگاههای مدنی خاص را فرا گرفته بود. این دو امیدوار بودند که راهی قانونی برای منصرف کردن شوهرشان از طلاق بیابند، اما بجز ناله و نفرین کاری از دستشان برنی آمد".

در جمهوری اسلامی فعلاً "بجز ناله و نفرین نسبت به گردانندگان پر مدعا و متحجر و مرتجع کاری از دست زنان ستمکش بر نمی آید ولی بیگمان این ناله ها کم کم تبدیل به فریاد خواهد گردید.

"شوهر این دو زن در یکروز حکم طلاق زنانش را گرفت و به آنها گفت بروید خانه پدرتان. اما زن اول این مرد با چشمانی پر از اشک خطاب به شوهرش گفت که من رضایت به طلاق ندارم، زندگی بچه ام به تباهی کشیده می شود".

یک مادر همانند دیگر مادران در سراسر دنیا، بخاطر آینده فرزند خویش حاضر به زندگی با یک حیوان انسان نما، در کنار هوو یا هووهای خویش است، ولی شوهر او که برایش خانواده و آینده فرزندان مطرح نیست میخواهد از تمام "مزایای شرعی" جمهوری اسلامی برای مردان بی بند و بار ولی البته پولدار و خمس و زکوة و سهم امام ده استفاده کند.

زن اول که دختر ۵ ساله اش هم همراه او در دادگاه گریه می کرده است به خبرنگاران می گوید: "زنی ۲۲ ساله هستم و شغلم معلمی است. شوهرم هفت سال پیش با من آشنا شد و این آشنائی منجر به ازدواج گردید... بچه ما سه ساله بود که فهمیدم زن گرفته است اما به او اعتراض نکردم تا اینکه چندماه پیش به من و زن دومش گفت که می خواهم هر دوی شما را طلاق بدهم. وقتی که به او گفتم علتش چیست، ما که اختلافی نداریم و در حال گذران خود هستیم چرا باید طلاق بگیرم، او گفت: از هر دوی شما خسته شده ام! و حالا با تشکیل پرونده حکم طلاق ما را گرفته است". هووی این زن نیز در مورد اینکه چرا شوهرش می خواهد او را طلاق دهد چیزی نگفت و از فرط ناراحتی گریه میکرد.

دو زن و یک کودک بیگناه گریه می کردند و قاضیان "شرع" دادگاههای بلخ مدنی خاص مشغول "مطلقه" کردنشان بودند تا پیش از این اسباب خستگی شوهر خود را فراهم نکنند! و رئیس دادگاهها بجای شرم کردن از این رسوائی ها چند روز بعد با کمال وقاحت در روزنامه کیهان

درسیاها چه می گذرد؟

توفان سهمگین در راه است

دیگر بار، هراس دشمن.

دیگر بار، شکفتن گلهای سرخ در فروغ خون.

دیگر بار، آوای دردمند خلق

وندای برخاستن.

هر چند که جلادان داس در سافه های ترد زندگی می کنند

دیگر بار، فریادهای زسای ما.

دیگر بار، جوانه های عشق که در سینه های پر کینه ما گل می کند...

شکفتن هر گل سرخ، یعنی عرق مرگ بر پیشانی دشمن،

یعنی از پا نیفتادن.

یعنی ادامه نبرد خونین با دشمنان خلق.

برخیزید، برخیزید!

توفان سهمگین در راه است.

دور رفیق توده ای

زیر شکنجه شهید شدند

آنان، مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک و استقلال کشور، با سرسختی دنبال می کرد. رفیق رسول امیری در دوران فعالیت علنی حزبی چندین بار بازداشت شد و آخرین بازداشت او در اردیبهشت ۶۲ بود که هرگز به آزادی نیانجامید.

وی در زندانهای اردبیل و آستارا تحت شدیدترین شکنجه ها قرار گرفت، اما شجاعانه از اهداف انقلابی خود و حزب توده ایران دفاع کرد و سرانجام جان بر سر این آرمانها نهاد.

دژخیمان ج.ا، شایع کردند که رفیق حسین قدمگاهی در زندان ارومیه بعلت بیماری ربوی مرده و رفیق رسول امیری در آستارا هنگام فرار از زندان و گذشتن از مرز در دریا خفه شده است. حاکمان "شرع" اجازه ندادند که جسد رفیق حسین قدمگاهی در میاندوآب دفن شود و جسد رفیق رسول امیری را در گوشه دوری از جنگل دفن کردند.

آری، دیگر بار هراس دشمن.

دیگر بار، شکفتن گلهای سرخ در فروغ خون.

دیگر بار، آوای دردمند خلق،

وندای برخاستن

.....

توفان سهمگین در راه است.

رفیق حسین قدمگاهی در ارومیه و رفیق رسول امیری در آستارا، زیر شکنجه های وحشیانه جلادان ج.ا، جان سپردند. این رفقا در جریان یورش سراسری به حزب توده ایران دستگیر شده بودند.

رفیق حسین قدمگاهی دبیر یکی از دبیرستانهای "میان دو آب"، وابسته به یک خانواده زحمتکش و در زمره مبارزان توده ای بود که پس از دستگیری در "ارومیه" زندانی شد. وی در دوران فعالیت حزبی خود همواره با ایمان به پیروزی، از منافع زحمتکشان کشور دفاع می کرد و در آگاهی، تشکل و سازماندهی آنان در پیکار یا دشمنان طبقاتی خود، یک لحظه از تلاش بازمی ایستاد. پیکار قهرمانانه او در زندان ادامه یافت و سرانجام در زیر شدیدترین شکنجه ها به شهادت رسید. در دوران بازداشت او همسر و فرزند خردسال او نیز مدتی زندانی شدند.

رفیق رسول امیری، ۲۵ ساله، وابسته به یک خانواده مبارز توده ای در آستارا بود که در اوایل سال ۵۸ همراه با گروهی از مبارزان این شهر به حزب توده ایران پیوست. وی در دوران مبارزه، همواره با سرسختی اهداف انقلابی خود را در پشتیبانی از حقوق زحمتکشان و سازماندهی

اعلام کرد که مردمی تواند در آن واحد برای ۴ زن خود تقاضای طلاق کند!

اسم این وحشگری را گذاشته اند: "بازگرداندن شرافت انسانی به زن" در جمهوری اسلامی. از قدیم گفته اند یک جو رو بهتر از یک ده شش دانگ است، اما حکام کنونی ج.ا فقط "رو" ندارند. صاف و پوست کنده "پهرو" هستند.

خوانندگان عزیز!

به این نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

خمینی: "بکشید، بزنید، حبس کنید"

بقیه از صفحه ۱

بازار ایران دیدن کنند و ببینند آیا مردم را تهدید می‌کنند؟

مثلی است معروف، می‌گویند: تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها. در جمهوری اسلامی نه چیزک، بلکه چیزهای زیادی روی می‌دهد که پرده‌پوشی آنها حتی برای برخی از رسانه‌های گروهی امپریالیستی مدافع رژیم آخوندها امکان پذیر نیست. آنچه در رسانه‌های گروهی جهان انتشار می‌یابد، فقط گوشه‌ای از جنایات هولناک و غیرانسانی است که در سیاهچالهای رژیم ولایت فقیه روزانه بوقوع می‌پیوندد. رسوایی رژیم بجایی رسیده، که سلطان جماران از آخوندهای مزدور خارجی که به حساب مردم محروم ما به نان و آبی رسیده‌اند، می‌خواهد تا به "مشروعیت" رژیمش صحنه بگذارد.

خمینی که به صدها نامه شخصیت‌های آزادیخواه جهان از حقوقدانان دمکرات گرفته تا پزشکان و روانشناسان و ناظران بی‌طرف خارجی دایر به اجازه ورود به ایران برای بازرسی زندانها و ملاقات با زندانیان سیاسی و رسیدگی به پرونده‌های آنان با سماجت پاسخ رد می‌دهد، به مشتکی آخوند مزدور خارجی می‌گوید: "کاش می‌رفتند و در این زندانها، زندانیها را می‌دیدند و می‌رفتند زندانیهای آنجا را هم می‌دیدند که قضیه چی هست، آنوقت می‌رفتند به بلادشان... که هست. ما هیچ توقع نداریم که یک کلمه‌ای حذف گفته شود".

آنچه در مطبوعات نیروهای ملی و مترقی درباره فجایع دهشتناک درون فراموشخانه‌های ایران نوشته می‌شود، به اندازه‌ای مستند و عیان است، که نیازی به تحقیق ندارد.

تنها "نامه مردم" تا کنون ده‌ها سند انکارناپذیر پیرامون شکنجه‌های غیرانسانی و قتل‌های زیر شکنجه اعضا، حزب توده ایران منتشر ساخته است. شماره‌ای از "نامه مردم" نیست که در آن اسم و فامیل و مشخصات توده‌ایها در بند به قتل رسیده زیر شکنجه‌های حیوانی، انتشار نیابد. متن صدها سند از این نوع در مطبوعات دیگر سازمانهای ملی و مترقی به اطلاع مردم ایران و جهان می‌رسد، و اینها علاوه بر احکام اعدامهایی است که حکام خون آشام شرع بدون مراعات ابتدایی‌ترین موازین و مقررات حقوقی مورد پذیرش بشریت متمدن، تقریباً هر روز صادر می‌کنند.

خود خمینی در همان "مراسم شرفیابی"، بدون احساس کوچکترین عذاب وجدان گفت: "جامعه باید آنها را که فاسد هستند بیرون (بریزد). جنبه رحمت هست همش. منتها آقایان بعضی هاشون خیال می‌کنند که رحمت این است که بهش مهلت بدهند، بکش آدم را، این رحمت است؟ از زندان بیرونشان کنید تا بروند مردم را بکشند این رحمت است؟ شما روی قرآن عمل کنید. قرآن با اشخاص که مسلم‌اند، معتقدند، ایمان به خدا دارند، به برادری رفتار می‌کند، با اشخاصی که برخلاف این هستند، آنها را

می‌گوید بکشید، بزنید، حبس کنید".

پس از این فتوا که معرف قساوت، بیرحمی، سنگدلی، خونخواری و وحشیگری سران قشری و ارتجاعی حاکم است، آیا به رفتن درون زندانها و تحقیق نیازی هست؟

هم اکنون ده‌ها هزار زن و مرد پیر و جوان و کودک و در مواردی همه اعضای یک خانواده از مادر و پدر و پسر و دختر تا کودکان شیرخوار در فراموشخانه‌های رژیم در وحشتناکترین شرایط به مرگ تدریجی محکومند. آیا این ده‌ها هزار انسان بی‌گناه آدمکشند، یا آنانیکه فرمان کشتن و زدن و حبس کردن آنها را، آنها با استناد به قرآن صادر می‌کنند؟

مگر شاه هم نمی‌گفت آنهایی که رژیم استبدادی او را قبول ندارند باید از جامعه رانده شوند؟ او هم خود را سایه خدا در روی زمین می‌دانست و می‌گفت سلطنت موهبت الهی است و بنام خدا علیه افراد و سازمانهایی که دارای "رویه یا مرام اشتراکی" بودند، مجازات اعدام تعیین می‌کرد و سپس آنها وسیله‌ای برای مبارزه با هرگونه افکار آزادیخواهانه قرار می‌داد. شاه هم همه مخالفان دگراندیش را به بهانه داشتن مرام اشتراکی و یا عقاید کمونیستی و الحادی به پلیدترین اتهامات و به شدیدترین مجازاتها محکوم می‌کرد.

"عامل استعمار سرخ"، "جاسوس اجنبی"، "بیگانه پرست"، "آنارشیست"، "مقدمین علیه امنیت داخلی" کشور، اتهامات عادی بود که نثار مبارزان راستین میهن می‌گردید و بسیاری کسانی که بهمین اتهامات "محاکمه" و محکوم شدند.

مگر شاه مخلوع، طلاب حوزه علمی قم بسرکردگی خمینی را نیز کمونیست نمی‌نامید؟ روزنامه "اطلاعات" بمناسبت حوادث قم نوشت: "اینان که در شهر مقدس قم قصد آشوب داشتند، چه کسانی هستند، جز کمونیستها و روشنفکرانیان دیروز و آنارشیستهای امروز" (اطلاعات، ۲۱ خرداد ۱۳۵۶).

راهی که امروز خمینی و دستیارانش می‌روند، همان راهی است که ربع قرن شاه پیموده بود. سلطان جماران نیز مانند سلف خود میهن پرستان اصیل را به اتهام همان برجسب‌های شسته ساخته روانه شکنجه‌گاهها می‌کند و به دست جوخه‌های اعدام می‌سیارد.

خمینی می‌گوید، اشخاصی را که مسلم نیستند و ایمان به خدا ندارند، "بکشید، بزنید، حبس کنید". در کجای قانون اساسی ج.ا. چنین حکمی صادر شده است؟ معیار تعیین مسلم و معتقد بودن و ایمان داشتن چیست؟ از آنجاییکه در قوانین موجود تفسیر مشخصی در این موارد بعمل نیامده، ارگانهای سرکوبگر، صاحبان هرگونه نظرات و اندیشه‌های مخالف سران ج.ا. را به بهانه عدم ایمان به خدا با توسل به پلیدترین اتهامات محکوم و سر به نیست می‌کنند.

مگر زیر پا گذاردن اصول قانون اساسی و

اعلامیه حقوق بشر و جانشین کردن فرمانیکفر در بجای قوانین جاری کشور به معنای قیام علیه ج.ا. و نوعی کودتا نیست؟ در کجای قانون اساسی به خمینی اختیار داده شده تا با صدور فرمان وظیفه ارگانهای قانونگذاری و اجرایی و قضایی را بعهده بگیرد؟ کدام اصل از قانون اساسی به وی اجازه می‌دهد فرمان صادر کند تا اشخاص را بکشند، بزنند و روانه زندان کنند؟ کدام قانون به سلطان جماران حق نقض اصل ۴۴ قانون اساسی را داده که دستور می‌دهد (دولت نیز بلافاصله بدون مشورت با مجلس بخشنامه صادر می‌کند) تا سرنوشت میلیونها ایرانی محروم را بدست مشتکی کلان سرمایه‌دار و بزرگ مالک بسپارد؟

اگر حتی اصول قانون اساسی مورد قبول آقایان پدرستی انجام شود، آنانیکه باید بر کرسی متهمین بنشینند و از جامعه طرد شوند، خود حکام مرتجع ج.ا. هستند.

خلف وعده از خصایص مستبدین حاکم است. خمینی که امروز بی‌پروا حکم قتل عام صادر می‌کند، فراموش کرده، آنروزها که هنوز نیاز به حمایت همین اشخاصی داشت که امروز فرمان کشتارشان را می‌دهد، چه وعده‌هایی در زمینه آزادی و دمکراسی می‌داد.

ما برای یادآوری فقط به مواردی از این وعده‌ها بسنده می‌کنیم:

"اگر محمدرضا شاه در سلطنت باقی باشد چند سال دیگر مملکت ما روبه فقر و نیستی خواهد رفت، بنابراین تا ایشان نرفته است مملکت ما نمی‌تواند روی آزادی و ترقی ببیند و باید برود" (از مصاحبه با تلویزیون فرانسه، ۵ آبان ۱۳۵۷).

"پس از رفتن شاه، حقوق مردم... محترم بوده و رعایت خواهد شد" (از مصاحبه با رادیو تلویزیون اتریش، ۱۰ آبان ۵۷).

"مردم از اختناق و خیانت‌های پنجاه ساله بجان آمده‌اند و برای مطالبه حقوق اولیه خود قیام کرده‌اند... برنامه ما تحصیل آزادی و استقلال است" (از مصاحبه با رادیو تلویزیون لوکزامبورگ، ۱۱ آبان ۵۷).

بالاخره، در مصاحبه با خبرنگاران انگلیسی، تایلندی، ژاپنی، برزیلی، آمریکایی و غیره (۱۸ آبان ۵۷)، در پاسخ به سؤال: "برای جانشینی رژیم کنونی، شما خواستار جمهوری اسلامی هستید. چنین دولتی آیا آزادیهای دمکراتیک برای همه مردم تضمین خواهد کرد و در چنین دولتی نقش شما شخصاً چه خواهد بود؟"، وی گفت: "دولت اسلامی یک دولت دمکراتیک به معنی واقعی است و... هر کس می‌تواند اظهار عقیده خودش را بکند" و از همه مهمتر "دولت اسلامی تمام منطقی‌ها را با منطق جواب خواهد داد. و اما من هیچ فعالیت در داخل دولت ندارم و بهمین نحو که الان هستم، وقتی هم که دولت اسلامی تشکیل شود نقش هدایت را دارم".

کجاست آن آزادی، دمکراسی و دولت دمکراتیک که چپ و راست وعده آنرا می‌دادند؟ منطق اسلامی خمینی در پاسخ به منطق دگراندیشان، شش سال پس از انقلاب چنین

در گوشه و کنار کشور

هرم از این باغ پری میرسد

- اردوگاه افغانی ها در خارج از شهر سبزوار هرسه ماه یا چهار ماه خالی و سپس از افغانی های جدید پر میشود. در این اردوگاه که زیر نظر وزارت کشور اداره میشود، افغانی ها با پرداخت ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان رشوه اجازه خروج از اردوگاه را می گیرند. افغانی ها بیشتر به مناطق مرزی رفته و به قاچاق تریاک و حشیش می پردازند. ساکنان اردوگاه در کارگاههای شخصی و دولتی و شرکتهای پیمانکاری با دستمزد روزانه ۸۰ الی ۱۰۰ تومان کار می کنند و بخشی از مزد خود را به مسئولین هلال احمر رشوه می دهند.

ساواکی ها فعال شده اند

ساواکی ها در تهران شدیداً فعال شده اند. یکی از ساواکی ها که راننده یکی از آژانسهای تاکسی تلفنی است. گفت: من همان ساواکی پدرسوخته دیروزی هستم. در آژانس کار می کنم که صاحب آن یک افسر ساواکی است و همه راننده ها و کارکنان آن نیز ساواکی اند. وی گفت تاکنون تعداد زیادی از ساواکی ها به سرکار خود بازگشته اند و از بقیه نیز دعوت به همکاری شده است.

خروج از کشور با رشوه

اخیراً سربازها و برخی دیگر از ممنوع الخروج ها از کشور با پرداخت رشوه از کشور خارج می شوند. دولت از آنها هنگام خروج از کشور ۲۰۰ هزار تومان وثیقه می گیرد.

در پالایشگاه تهران

موج کم کاری در پالایشگاه تهران رو به گسترش است. نارضایتی کارگران رود به رود افزایش می یابد و امکان آن میرود که در پالایشگاه تهران اعتصاب شود.

"انجمن اسلامی"

"انجمن اسلامی" و "دانشجویان مسلمان" دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در رشته انگلیسی، خواستار حذف دروس و مسائل مربوط به ادبیات غربی از متون انگلیسی شدند. استادان و دیگر دانشجویان می گویند ادبیات انگلیسی با فرهنگ غرب آمیخته است و حذف آنها امکان پذیر نیست. آنها می گویند برای یادگرفتن زبان و ادبیات انگلیسی خواه ناخواه باید این متون را آموخت. "انجمن اسلامی" ها در دیوار دانشکده ها را پر از اعلامیه علیه استادان کرده اند.

دربی اجرای "طرح خودکفایی" وزارت بهداشتی و تامین کسری بودجه بهداشتی - درمانی از این طریق، در برخی از درمانگاهها و دیگر مراکز درمانی دولتی، قیمت قبضهای ویزیت تا چندین برابر، مثلاً از ده به پنجاه تومان، افزایش یافته است. زحمتکشان و تهیدستان شهری و روستایی که بیمه نشده اند قادر به پرداخت ویزیت گران نیستند و اغلب این مراکز درمانی از صدور قبض مجانی برای آنها سرباز می زنند.

هنگام رژه، عبور آمبولانس ممنوع

در جریان رژه پاسداران یک آمبولانس حامل بیمار برای رفتن به بیمارستان فبروزگر از فلسطین شمالی به تقاطع خیابان ولی عصر رسید. موتورسوارهایی که خیابان را قرق کرده بودند به آژیر آمبولانس اهمیت ندادند و حدود نیم ساعت آن را معطل کردند. آمبولانس وقتی به بیمارستان رسید که بیمار مرده بود.

واسطه ها و دلان دادگاههای "شرع"

موج اخاذی از خانواده های زندانیان سیاسی همچنان ادامه دارد. اشخاص ناشناس و دلانی که در ارتباط با دادگاههای انقلاب و حاکمان شرع اند به خانواده های زندانیان سیاسی مراجعه می کنند و برای آزادی فرزندان شان از آنها طلب رشوه های کلان می کنند. آنها اخیراً با مراجعه به خانواده چند رفیق توده ای از آنها بین سیصد هزار تا یک میلیون تومان رشوه درخواست کرده اند. مسئولین دادگاههای انقلاب که در چندین مورد مشتشان باز شده است. ناچار شده اند که تعدادی از این دلان را به عنوان کلاه بردار دستگیر کرده و نام آنها را به روزنامه ها اعلام کنند.

خبرهایی از سبزوار

- در این شهر سیصد هزار نفری فقط ۶ دختر و ۱۶ پسر در رشته ریاضی درس می خوانند. ساعات درس انگلیسی از ۶ ساعت در هفته به سه ساعت تقلیل یافته و در سه ساعت دیگر بجای انگلیسی درس دینی تدریس میشود.
- در سبزوار به دانش آموزان ابلاغ شده، چنانکه یکسال مردود شوند در سال بعد بایستی نهمصد تومان شهریه بپردازند.
- سربازگیری در سبزوار بشدت رواج دارد. سربازان فوری به جبهه و کردستان اعزام میشوند.

است؛ "بکشید، بزنید، حبس کنید".
مردم میهن ما علیه این منطق حاکم در دوران ستمشاهی بیپاخاستند، مبارزه کردند و کشته دادند. و خمینی زمانی این وعده ها را می داد که شاه زیر ضربات شکننده توده های مردم لحظات واپسین فرمانروایی مطلق خود را می گذراند. جای آن دارد که پیام رادیویی ۱۵ آبان ماه ۱۳۵۷ شاه را به حکام کنونی یادآور شویم. او، از جمله گفت: "در فضای باز سیاسی که از دو سال پیش بتدریج ایجاد می شد، شما ملت ایران علیه ظلم و فساد بیپاخاستید... من آگاهم که بنام جلوگیری از آشوب و هرج و مرج این امکان وجود دارد که اشتباهات گذشته و فشار و اختناق تکرار شود، من آگاهم که ممکن است بعضی احساس کنند که بنام مصالح و پیشرفت مملکت و با ایجاد فشار این خطر وجود دارد که سازش نامقدس فساد مالی و فساد سیاسی تکرار شود...". او وعده می داد که حکومت ایران در آینده، "بدور از استبداد و ظلم و فساد خواهد بود".

شاه مخلوع که ربع قرن آزرگار وجود فساد و اختناق و استبداد و ظلم و شکنجه و قتل را انکار می کرد، ناگهان به وجود آنها در کشور اعتراف کرد و وعده از بین بردن آنها را داد. ولی کسی به گفته های دیکتاتور باور نکرد.

سران ج.ا. را نیز سرنوشتی جز این نمی تواند در انتظار باشد. خمینی کلابه می کند که حکومت وی را فاشیستی می نامند. آیا صدور فرمان کشتار جمعی میهن پرستان، شیوه فاشیستی نیست؟ او می گوید این حکم قرآن است. ولی، حتی یاران نزدیکش منکر وجود چنین احکامی در قرآن هستند. آنها پا را از اینهم فراتر گذارده و رژیم ولایت فقیه را ضد اسلام می دانند. مهندس بازرگان، نخستین نخست وزیر خمینی می نویسد: "اثر سوئی را که قضات شرع و دادگاههای انقلاب، با زندانها و پاسداران شان و با نمایشگرها و درسهای تلویزیونی، در افکار و اذهان مردم این مملکت ایجاد کرده اند فقط خدا می داند چه اندازه است! بدتر از آن و دردناکتر از همه چیز بیزاری و بازگشت هائی است که در ایمان و علاقه مردم از مسلمانی و روحانیت و اسلام ببار آورده است! بسیاری مردان و زنان پیر و جوان که صاحب اعتقاد و عشق بخدا و پیغمبر و امامان بوده اند و حالا با عمل قضات شرع و دادگاهها و با رفتار مامورین تفتیش عقاید و احکام، از دین و خدا برگشته اند. نماز و حجاب و دعا را کنار انداخته بدمی گویند و اظهار می کنند که آنچه در کتاب و پای منبر از عدالت و رحمت و حقیقت شنیده بودیم دروغ بوده و اسلام واقعی چیزی است که می بینیم و محمد و علی هم مثل اینها بوده اند".
"انقلاب ایران در دو حرکت"، مهندس مهدی بازرگان، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۵۰ - ۱۵۱.
چنین است ژرفای نفرت مردم از رژیم ولایت فقیه از زبان یکی از همزمان خمینی.

مردم آزاد میخواه ایران! برای نجات جان زنده بگوران سلول های زندان اوین و دیگر زندانها، صدای اعتراض خود را بلند کنید!

اتحاد: رمز پیروزی ...

بقیه از صفحه ۱

بررسی اعتصابات کارگری در سال جاری نشان می‌دهد که اتحاد و یکپارچگی کارگران در جریان اعتصاب، مهمترین عامل پیروزی زحمتکشان است. هرچا که عوامل مدیران و یا جاسوسان "انجمن اسلامی" توانسته‌اند با تهدید و فریب و یا توطئه، یکپارچگی کارگران را برهم زنند، اعتصاب ناموفق بوده و سرکوب شده است. مروری بر چند رویداد کارگری، صحت این ارزیابی را آشکار می‌سازد:

- استانداری آذربایجان شرقی، اخیراً طی بخشنامه‌ای دستور داد در همه کارخانه‌های استان، هفته‌ای ۲ روز (هر روز بمدت ۲ ساعت) اضافه‌کاری به سود جیبه‌های جنگ انجام شود. کارگران کارخانه چرم خسروی در تبریز، در برابر این بخشنامه ضدکارگری بطور یکپارچه ایستادند. آنان پس از پایان ساعت کار روزانه بطور دسته جمعی کارگاهها را ترک کردند و وقتی با درهای بسته کارخانه روبرو شدند، آنرا گشودند و از کارخانه خارج شدند. مدیریت کارخانه در روز بعد اعلام کرد: "اضافه‌کاری اختیاری است". اما هیچیک از کارگران در روزهای بعد نیز برای اضافه‌کاری حاضر نشدند. کارگران می‌گفتند: "مگر ما جنگ می‌خواهیم که به جیبه کمک کنیم؟" بر اثر مقاومت کارگران در دیگر کارخانه‌ها، این بخشنامه اکنون در سراسر آذربایجان شرقی، بدون اثر شده است.

- کارگران کارخانه زامیاد با خواست ۲۰ درصد اضافه دستمزد در آبان ماه ۱۳۶۲ دست به اعتصاب عمومی زدند. پس از ۴ روز مبارزه متحد، مقامات مسئول با ۲۰ درصد افزایش حقوق برای کارگران موافقت کردند.

- در کارخانه گلوکز و نشاسته ایران، یک روز از حقوق آبان ماه کارگران بدون اجازه آنان بعنوان کمک به جیبه کسر شد. کارگران بطور یکپارچه دست از کار کشیدند. مسئولین

کارخانه با وحشت عقب نشینی کردند. چون پول کسر شده از کارگران بحساب بانک واریز شده بود، به ناگزیر موافقت کردند که یک روز به کارگران مرخصی با پرداخت حقوق بدهند.

- کارگران کارخانه جنرال صنعتی، بعلت تاخیر در پرداخت پاداش سالانه، پس از ۲ روز کم کاری در مهرماه ۶۲ بطور یکپارچه دست از کار کشیدند. چند ساعت از اعتصاب نگذشته بود که مقامات مسئول سازمان صنایع ملی، نسبت به پرداخت پاداش کارگران اقدام کردند.

- در مهرماه ۱۳۶۲، در کارخانه لندور اعتصابی به خاطر افزایش دستمزد صورت گرفت. کارگران شیفت بعد از ظهر، کارمندان و بخشی از کارگران قسمت مونتاژ در اعتصاب شرکت نداشتند. نیروهای سرکوبگر دادستانی انقلاب و سپاه به کارخانه ریختند و پس از ضرب و جرح اعتصابیون، حدود ۲۰ نفر از آنان را دستگیر کردند. اعتصاب با عدم موفقیت کارگران پایان یافت. اعتصاب، فراگیر و تدارک شده نبود. ارتجاع از این نقطه ضعف بهره برداری کرد.

یک نمونه برجسته از پیروزی زحمتکشان میهن ما، اعتصاب بزرگ کارکنان مجتمع ذوب آهن اصفهان در آذرماه امسال است. این اعتصاب که در اثر اتحاد کارگران، کارمندان و تکنیسین‌های این واحد عظیم و نیز همبستگی کارگران دیگر کارخانه‌های بزرگ، نماینده آیت الله خمینی را به "دست بوسی و پابوسی" کارگران واداشت، یکبار دیگر تجربه گرانبهائی بیش از ۱۰۰ اعتصاب کارگری در سال جاری را تکرار کرد: ارتجاع در برابر اتحاد کارگران و زحمتکشان میهن ما، قادر به تعرض نیست. کارگران واحدهای صنعتی، طلسم "اقتدار" نهادهای سرکوبگر حکومتی را در انظار توده‌ها شکسته‌اند. تجربه اعتصابات موفق، اکنون نه فقط پیش روی آن بخش‌هایی از کارگران میهن ماست که هنوز به عرصه مبارزه اعتصابی پای نگذاشته‌اند، بلکه چون چراغی فرا راه همه نیروهای انقلابی و مردمی است.

نقش مخرب جمهوری اسلامی در لبنان

بقیه از صفحه ۲

تمام نیروهای رزمنده خلق و از جمله سوسیالیست‌های مترقی و کمونیست‌ها انجام می‌گیرد، پیروزی نسبی اخیر را "مرحله انقلاب اسلامی لبنان" نامگذاری کرده‌اند و هر مقاومتی را به حساب "حزب الهی" ها و حمل کنندگان عکسهای خمینی می‌گذارند. از اینهم بدتر گروهی فریب خورده را بسرکردگی اوباش، تحریک و ترغیب به ویران کردن مشروب فروشها و سینماها و البته ترور نیروهای اصیل ضد امپریالیست و ضد صهیونیست کرده‌اند تا اسلام فقهائی آقای خمینی برلبنانی که حدود نیمی از اهالی مسیحی و بخش بزرگی از مسلمانانش سنی هستند بلامعارض مسلط شود! اینکار جز نفاق افکنی و تفرقه اندازی نام دیگری ندارد.

مبارزه برای استقلال، آزادی ملی و عدالت اجتماعی و علیه امپریالیسم مبارزه‌ای با ماهیت

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

بقیه از صفحه ۱

زندگانه اعمال میشود و ابتدایی ترین حقوق زندانیان سیاسی نقض می‌گردد. بسیاری از فعالین تشکیلات دمکراتیک زنان ایران بیش از دو سال است که در سیاهچالهای رژیم به بند کشیده شده‌اند و تحت شکنجه‌های غیر انسانی قرار دارند.

محرومیت زنان از حقوق اجتماعی، اقتصادی و مدنی روز بروز دامنه وسیعتری بخود می‌گیرد. در بسیاری از زمینه‌ها، چون ولایت اطفال، شهادت مستقل، قضاوت و انتخاب همسر، زنان در ردیف نابالغین و دیوانگان قرار گرفته‌اند. آزادی مطلق مردان در ازدواجهای متعدد و طلاق و سلب حقوق طبیعی زنان، ارکان خانواده را متزلزل کرده است.

با اختصاص بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه کشور به جنگ و رواج دزدی و فساد و رشوه خواری بی بندوبار در اس دستگاه دولتی، امکانات رفاهی مردم پیش از پیش محدود می‌گردد و توده‌های زحمتکش به مقیاس وسیعتری از امکانات بهداشتی، آموزشی و خدمات اجتماعی محروم میشوند. همزمان با توسعه بیسودی، بر عمق ورطه‌ای که بین زنان و مردان باسواد وجود دارد، افزوده میشود. با تشدید بحران بیکاری، زنان از محیطهای کاررانده میشوند. محدودیت تحصیلات دانشگاهی برای زنان بگونه‌ای فزاینده اعمال می‌گردد. گرانی و تورم و کمبود بردوش زنان زحمتکش ایران سنگینی می‌کند.

زنان آگاه و مبارز ایران!

هشتم مارس را به روز تشدید و تقویت مبارزه علیه اینهمه بی‌حقی و بی‌عدالتی بدل کنید. اعتراضات و حرکات توده‌ای زنان را بر حوصله‌های صلح، آزادی و برابری و پیشرفت اجتماعی سازمان دهید. از هرامکانی برای افشای چهره کریه عوامفریبان و پاسداران جهل و عقب ماندگی سودجویید.

زنده باد هشتم مارس روز همبستگی جهانی زنان!

زنده باد صلح، آزادی، برابری و پیشرفت اجتماعی!

درود بر زنان پیکارجوی، که زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های رژیم خودکامه دلیرانه مقاومت می‌کنند!

برقرار باد مبارزه پرافتخار زنان و مردان ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع!

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

هشتم مارس ۱۳۸۵ - ۱۷ اسفند ۱۳۶۲

وابسته و حفظ بزرگ مالکی در روستا شد، بموقع نقاب از چهره عمال معمم امپریالیسم در کشور خود بزدانید و نگذارند به یگانگی ارزشمند و سرنوشت ساز خلق و مبارزه برای لبنانی مستقل و دمکراتیک لطمه وارد شود.

کارزار جهانی دفاع از زندانیان توده‌ای

تظاهرات درس آنجلس

به کوشش "کمیته همبستگی با مردم ایران" و با شرکت تعداد زیادی از نیروهای مترقی در شهر لس آنجلس از فبیل حزب کمونیست آمریکا (شعبه لس آنجلس)، سازمان جوانان کمونیست آمریکا در لس آنجلس، شورای صلح (شعبه لس آنجلس)، هواداران جنبش دمکراتیک خلق برای آزادی فلسطین، انجمن دانشجویان مترقی عراقی در آمریکا و کانادا در این شهر، حزب کمونیست آمریکا (شعبه لانگ بیچ) و همچنین هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در جنوب کالیفرنیا، تظاهراتی در دفاع از زندانیان توده‌ای و اعتراض به سیاست‌های ضد مردمی دولت ج.ا. برگزار شد.

تظاهر کنندگان که با شمعهای روشن حرکت می کردند، با شعارهای "زندانیان سیاسی ایران را آزاد کنید"، "محاکمه عادلانه برای زندانیان توده‌ای" و "جنگ خانمانسوز را پایان دهید" مسیری طولانی را طی کرده و سیاست‌های ضد دمکراتیک سردمداران ج.ا. را افشا کردند. بخشی از این مراسم از یکی از فرستنده‌های تلویزیونی "لس آنجلس" پخش شد و جریان تظاهرات و خواسته‌های تظاهرکنندگان که طی قطعنامه‌ای اعلام شده بود در روزنامه مترقی "جهان مردم" انعکاس یافت. در این قطعنامه تظاهر کنندگان خواسته‌اند که برای معاینه زندانیان سیاسی و بررسی و تحقیق درباره پرونده‌های آنان، همچنین چگونگی گرفتن "اعترافات" گروهی از پزشکان بی طرف بین المللی، حقوق دانان دمکرات به ایران اعزام شوند. در این قطعنامه‌ها تاکید شده است که به زندانیان سیاسی باید اجازه انتخاب وکیل داده شود و هیئت‌های یاد شده درباره چگونگی صدور احکام اعدام سپرده شده بدست گروهی از کادر رهبری حزب تحقیق کنند.

اعتراض نمایندگان احزاب مترقی و شورای شهر تورینو

شورای عمومی شهرداری تورینو (ایتالیا) و مسئولین احزاب سوسیالیست، کمونیست، دمکرات مسیحی، حزب رادیکال، جمهوری خواه، سوسیال دمکرات، دمکراسی پرلناریا و چند حزب و سازمان دیگر ایتالیا در این شهرداری طی بیانیه‌ای اعتراض خود را نسبت به شکنجه و محاکمه ناعادلانه شخصیت‌های برجسته فرهنگی و احزاب مترقی، توطئه علیه اعضاء و هواداران حزب توده ایران، دستگیری، حبس، اعدام و پیگرد اعضاء و سازمانهای سیاسی، سندیکایی و گروههای متعلق به اقلیت‌های ملی (از قبیل کردها) که مخالف رژیم خمینی‌اند و یا از آن پشتیبانی نمی کنند، اعلام داشتند.

در این بیانیه از جمله آمده است:

"توطئه جدیدی علیه اعضاء و هواداران حزب توده ایران آغاز شده است. باید یاد آور شد که این حزب از فوریه سال ۸۲ تحت شدیدترین فشارها و پیگردهاست."

در این بیانیه شورای شهرداری تورینو به نمایندگی از طرف جوانان و شخصیت‌های فرهنگی خواسته است که قوانین بین المللی در مورد زندانیان سیاسی ایران باهر ایده و عقیده‌ای رعایت شود. این شورا در عین حال از دولت ایتالیا تقاضا کرده است تا از رژیم خمینی بخواهد که حقوق شهروندان ایران و زندانیان سیاسی را رعایت کند.

نمایندگان احزاب یاد شده نیز از تمامی نیروهای دمکرات، شهروندان، جوانان و شخصیت‌های فرهنگی دعوت کرده‌اند که صدای اعتراض خود را نسبت به بی عدالتی‌های رژیم ج.ا. در مورد زندانیان سیاسی بلند کنند.

اعضاء کنندگان این بیانیه از دولت ایران خواسته‌اند:

"الف - به یک گروه از پزشکان و نمایندگان بی طرف بین المللی اجازه ورود به ایران داده شود تا با زندانیان سیاسی ملاقات کرده و وضع سلامت روحی و جسمی و آمادگی آنها را برای شرکت در دادگاه‌ها بررسی کنند.

ب - به یک گروه از وکلای بی طرف بین المللی اجازه ورود به ایران داده شود تا بتوانند در مورد اسناد حاضر دادگاهها و جریان دادگاهها تحقیق کنند.

ج - به زندانیان سیاسی اجازه داده شود تا آزادانه برای خود وکیل انتخاب کنند."

در پایان این بیانیه تصریح شده است که "نیروهای دمکرات ایتالیایی وظیفه خود می دانند که بخاطر برقراری دمکراسی و احترام به قوانین حقوق بشر در هر کشور سرسختانه مبارزه کنند."

درخواست از دبیرکل سازمان ملل متحد و رهبر جنبش غیرمتعهدها

فدراسیون سراسری دانشجویی هندوستان، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در هند، جبهه خلق برای آزادی فلسطین در هند، سازمان جوانان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در هند طی نامه‌ای خطاب به راجیو گاندی نخست وزیر هند و رییس جنبش عدم تعهد و "پرزاد کوئیاریار" دبیرکل سازمان ملل متحد دایر بر وجود شکنجه‌های قرون وسطایی در ایران و عدم مراقبت پزشکی از زندانیان سیاسی از این مقامات خواسته‌اند: برای جلوگیری از اعمال ضد انسانی علیه رهبران حزب توده ایران و اعزام هیئتی از کارشناسان پزشکی و قضایی برای بررسی وضع متهمین و شرکت در جلسات دادگاه

اقدام کرده و علیه اختناق و سرکوب نیروهای میهن پرست سیاسی در ایران دخالت کنند. علاوه بر نیروهای یاد شده، بسیاری از کسانی که در تظاهرات دهلی نو، به پشتیبانی از مردم نیکاراگوئه علیه سیاست تجاوزکارانه آمریکا شرکت داشتند، حمایت خود را از نیروهای مترقی و زندانیان سیاسی ایران اعلام کردند. این نامه‌ها و اعلامیه "کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران" در دهلی در افشاء جنایات ج.ا. کشته شدن چند تن از رفقای توده‌ای زیر شکنجه و اعدام رفقا صالح امیر افشار و عظیم محقق و ۲۰ نفر از مجاهدین خلق ایران و محاکمه غیر علنی بخشی از کادر رهبری حزب توده ایران، در چندین روزنامه مترقی هند انتشار یافته است.

نامه سازمان آمریکایی

"ائتلاف برای صلح در خاورمیانه"

سازمان آمریکایی "ائتلاف برای صلح و خاورمیانه" نامه‌ای به امضای صدها شخصیت سیاسی - اجتماعی برای دبیر کل سازمان ملل متحد فرستاده که در آن گفته میشود:

عالیجناب!

ما امضاء کنندگان زیر نگرانی ژرف خود را از تهدید حقوق انسانی در ایران ابراز می داریم. دولت ایران کارگران و دیگر میهن پرستان را که از پیروی بدون چون و چرا از سیاست سرپیچند و حشیانه سرکوب می کند.

در دو سال گذشته ده ها هزار تن زندانی، شکنجه و کشته شده‌اند. شرایط زندانها غیر قابل تحمل است. زندانیان از هر گونه حقوق ابتدایی بشر، از جمله ملاقات با خویشان، محاکمه منصفانه و انتخاب وکیل مدافع بی بهره‌اند.

جمهوری اسلامی ایران بویژه با زنان دشمنی دارند و آنانرا از هرگونه حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محروم ساخته است. زنان نیز زندانی، شکنجه و کشته میشوند و حتی مورد تجاوز قرار می گیرند. همچنین اقلیت‌های ملی و مذهبی بگونه‌ای غیر انسانی سرکوب می گردند.

ما از شما می خواهیم که برای پایان بخشیدن به این فجایع که با اعلامیه عمومی حقوق بشر مغایرت مستقیم دارد، به اقدامات فوری و مقتضی دست بزنید.

اعتراض

جنبش "لیبراسیون"

نمایندگان جنبش "لیبراسیون" با مراجعه به بخش سیاسی سفارت ایران در لندن (دربی) اعتراض علیه نقض حقوق بشر توسط ج.ا. با ارائه مدارک و شواهدی دال بر وجود شکنجه و اعدام در ایران، خواستار پایان بخشیدن بیدرنک به همه اقدامهای سیاسی و اعزام گروهی برای بررسی وضع زندانیان سیاسی کشور شدند.

گفته‌های بدون تفسیر

مسئله بفرنج

اصغری، نماینده مجلس: "در این وسط مردم هستند که قربانی می شوند چگونه میتوان پذیرفت که در اوج سرما و یخبندان، ناگهان نفت کمیاب شود. مگر پیش بینی سرما و برف هم پیچیدگی دارد؟" (کیهان ۶۲/۱۰/۲۲)

پانکیست اسلامی

محمد علی فربینانی، نماینده مجلس: "استکبار جهانی شرق و غرب ۱۰۰۰ اخیراً در جهت تخریب افکار مقدس عمومی، اقدام به اشاعه فساد و مسائلی که در رابطه با پوچی گری و رفتارهای غیر اسلامی و غیر اخلاقی با عناوین پانکیست ها، اعتیاد، پوشیدن لباسهای نامناسب و پارتنی های شبانه و به جشن روز تولد رفتن ها، ارتباطات تلفنی و توزیع نوارهای ویدئو ... کرده و تلاش دارند تا فساد را به مدارس به شیوه های مختلف راه دهند." (کیهان، ۶۲/۱۰/۲۲)

نمونه ای از احکام نورانی

"آیت الله میرمحمدی به تشکیل سینار بین المللی قضا در اسلام اشاره کرد و گفت: انشاء الله ... دعوت رسمی از کارشناسان و حقوق دانان جهان به عمل می آید تا احکام نورانی اسلام برای بیگانگان هم بیان شود."

"آیت الله میر محمدی ضمن تاکید بر اجرای لایحه قصاص گفت: در دادگاههای جمهوری اسلامی قصاص اجرا میشود و این قصاص مختص به قتل نیست، بلکه قصاص در اعضاء هم انجام شده است." (کیهان، ۶۲/۱۰/۲۴)

مضحکه توام با خونریزی انتخابات در پاکستان

کار به خارج مهاجرت کرده اند و همه ساله ۲۰۰ هزار نفر دیگر هم به آنان می پیوندند. قیمت اجناس مورد نیاز عموم پیوسته در حال افزایش است. ۷۸ درصد اهالی پاکستان بیسوادند. یک سوم درآمد ملی هر سال یا خرج برنامه های نظامی میشود ویا برای بازپرداخت وامهای خارجی که مصروف خرید تسلیحات شده است اختصاص می یابد.

رژیم نظامی ضیاء الحق کم کم با بن بست واقعی روبرو می گردد و شکفت آور نیست اگر برای آراستن چهره زشت خویش دست به این مانورهای شرم آور بزند. ضیاء الحق نخست یک همه پرسی بمنظور ادامه ریاست جمهوری خود بمدت پنج سال سازمان داد و اینک می خواهد با تشکیل یک مجلس گوش بفرمان، دست نشانده و مسلوب الاختیار مردم پاکستان را فریب دهد. چالب توجه است که همین نمایندگان منتخب نیز باید در نخستین نشست های خود قانونی را تصویب کنند که مطابق آن به ضیاء الحق اختیار می دهد که گاه بخواد مجلس را منحل کند و مصوبات آن را نادیده بگیرد.

یعنی نقش مجلس آتی پاکستان در برابر اراده ضیاء الحق چیزی شبیه نقش مجلس شورای اسلامی در مقابل "ولی فقیه" در جمهوری اسلامی ایران است. گویی ضیاء الحق و خمینی و نمبری که سخت مشغول "اسلامی" کردن کشورهای خود هستند بین خود مسابقه ریاکاری گذاشته اند. چالب توجه است که ژنرال ارشاد، دیکتاتور "مسلمان" بنگلادش هم در صدد سرهم بندی کردن انتخاباتی از نوع انتخابات ایران و پاکستان است. بدین ترتیب میتوان گفت گزارشهای انتخاباتی جمهوری اسلامی دیگر به پاکستان و بنگلادش "صادر" شده است. حال باید منتظر صدور قانون قصاص بود.

هفته گذشته بالاخره نتایج به اصطلاح انتخاباتی، که ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان برای "اسلامی" کردن رژیم آمریکایش سرهم بندی کرده، معلوم شد. مقدمات کار همانند دیگر همسایه "اسلامی" پاکستان یعنی ایران از پیش با دقت و وسواس تدارک دیده شده بود. نزدیک به دو هزار تن از رهبران احزاب مخالف در خانه های خود تحت نظر قرار گرفتند و پانزده هزار نفر از فعالین آنها پیش از روز انتخابات به زندان افکنده شدند. در آنجا هم مانند جمهوری اسلامی ایران فقط معتمدان به "ولایت دیکتاتور"، یعنی بزرگ و کلان سرمایه داران حق کاندید شدن را داشتند و لاجرم همانها هم از صندوق ها سر برون آوردند. جنبش اعاده دمکراسی که یازده حزب مخالف را در بر می گیرد، انتخابات را تحریم کرده بود. مردم پاکستان توصیه احزاب مخالف را پذیرفتند و تا آنجا که می توانستند از شرکت در انتخابات خودداری ورزیدند. مقامات دولتی خود می گویند که ۲۰ درصد کنسائیکه حق رای داشته اند پای صندوق ها آمده اند ولی مطابق ارزیابی رادیوی هندوستان فقط ۲۰ درصد رای دهندگان مجبور به شرکت در انتخابات شده اند و ۸۰ درصد بقیه توانسته اند خود را از چشم ماموران پنهان سازند.

در پاکستان ۲۵ میلیون رای دهنده وجود دارد. بنابراین ۲۸ میلیون نفر از شرکت در مضحکه انتخابات خودداری کرده اند. با در نظر گرفتن وضع نابسامان اقتصادی و اجتماعی در پاکستان این نتایج غیر منتظره نیست. در شهرها تنها یک سوم اهالی در سنین اشتغال می توانند کاری بیابند و دو سوم بقیه بیکارند. تاکنون ۲/۵ میلیون جوان بیکار کشور را ترک کرده و در جستجوی

دهند. " (کیهان، ۶۲/۱۰/۲۴)

تصحیح وپوزش

در شماره ۲۹ نامه مردم - صفحه اول، ستون یکم سطر شانزدهم بجای فعل "نی آورد" به غلط "می آورد" چاپ شده است که باید تصحیح گردد. از خوانندگان گرامی پوزش می طلبیم.

کمکهای مالی رسیده:

هواداران حزب در سوئد ۱۰۰۰۰۰ کرون
هواداران حزب در دانمارک ۲۰۰۰ کرون
کارگر نفت ۵۰ دلار

با کمال رشادت!

امام موسوی، نماینده شوستر: "متأسفانه در میان مسئولین اجرایی هستند کسانی که تا میتوانند محروم را محروم تر و مستضعف را مستضعف تر می نمایند - شهرک هایی هست که افرادی در آنها ساکن هستند که از افراد محروم و مستضعف جامعه هستند و مسائل و مشکلاتی دارند که (مسئولان) متأسفانه حاضر نیستند آن مسائل را حل کنند. حتی بنده به سرپرست آن واحد گفتم اگر ساکنین فلان شهرک که کارگران هستند، کارمند بودند، آیا این مشکلات را می گذاشتید یا حل می کردید؟ و ایشان با کمال رشادت پاسخ دادند که اگر ده برابر هزینه فعلی هم هزینه داشت، من خرج می کردم و این مشکلات را حل می کردم. اما می بینیم چون ساکنین آنجا قشر محرومی هستند، توجهی به حل مشکلات آن ها نمی شود." (کیهان، ۶۲/۱۰/۲۴)

زمین برای حاج آقاها!

روحانی، نماینده مجلس: "در این لایحه (حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی) آمده است که این قبیل زمین ها را با اجازه ولی یا دولت فعلی میتوان احیاء و تملک نمود. مسئله این است که با شرایطی که الان هست، به چه کسی اجازه احیاء و تملک می دهند؟ یعنی برگرداندن خان ها و در کنارش هم یک عده حاج آقا دو هزار هکتار زمین برای پولهای سرگردانشان گذاشته اند." (کیهان ۶۲/۱۰/۲۴)

تقدس مالکیت!

امام موسوی، نماینده شوستر: "زمینهایی در اختیار افرادی بوده است که مالکیت آنها مورد تردید بوده است و هیئت های هفت نفره آن زمین ها را به کشاورزان داده که متأسفانه امروز می بینیم که این زمینها را از کشاورزان می گیرند و به آن افراد غاصب اولیه می

NAMEH
MARDOM
No: 40

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

MARCH, 7, 1985